



معیارهای طراحی و برنامه‌ریزی در معماری شهرهای جدید و تأثیر آن در ماندگاری و دلبستگی ساکنین (مورد مطالعه: شهر جدید گلپهار)

آتوسا قناد^۱، فرح حبیب*^۲، حسین ذبیحی^۳

^۱ گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، atousa.ghannad@srbiau.ac.ir
^۲ * (نویسنده مسئول) گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، f.habib@srbiau.ac.ir
^۳ گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، h.zabihi@srbiau.ac.ir

چکیده

نوشتر حاضر در پی آن است تا از طریق ارتقاء دلبستگی افراد به محل زندگی‌شان زمینه ماندگاری آنها را در شهرهای جدید فراهم نماید. لذا به تبیین رابطه میان معیارهای کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دلبستگی به مکان در شهرهای جدید می‌پردازد. پژوهش پیش‌رو، پژوهشی بنیادی-کاربردی است و در بخش نظری متکی به مطالعات کتابخانه‌ای و راهبرد تحقیق کیفی و در بخش عملی از راهبرد تحقیق همبستگی و گونه رابطه‌ای آن استفاده کرده است، جهت گردآوری اطلاعات نیز از روش میدانی و پرسشنامه در شهر جدید گلپهار کمک گرفته است. همچنین از آزمون همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی برای تعیین ماهیت رابطه میان انگاره دلبستگی به مکان و معیارهای کالبدی واحدهای مسکونی واقع در مجتمع‌های مسکونی و همچنین رتبه‌بندی آن‌ها در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. از نقطه‌نظر ساکنان ۸ معیار کلیدی مرتبط با حوزه واحدهای مسکونی در زمینه شکل‌گیری و ارتقای دلبستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی دارای اهمیت است. نتایج پژوهش ضمن تایید همبستگی معنادار این عوامل کالبدی با انگاره دلبستگی به مکان، غنای بصری (زیبایی) را از منظر ساکنین به‌عنوان اثرگذارترین عامل کالبدی در القاء حس دلبستگی به محل سکونتشان نشان داد و بر لزوم توجه به نیازهای والای انسانی (نیاز به زیبایی) تاکید نمود. همچنین مشخص شد در مواردی که افراد عوامل کالبدی واحد سکونتی خود را مناسب نیافته‌اند، تمایل بیشتری به ترک محل زندگی‌شان از خود بروز داده‌اند، که نشان دهنده آن است که از طریق ارتقای معیارهای کالبدی مرتبط با واحد سکونت می‌توان زمینه ماندگاری افراد را در مکان فراهم کرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ماندگاری ساکنین شهرهای جدید از طریق ارتقای دلبستگی به مسکن توسط معیارهای کالبدی معماری.

۲. شناسایی و تبیین معیارهای کالبدی مؤثر بر ارتقای حس دلبستگی ساکنین.

سؤالات پژوهش:

۱. چه رابطه‌ای میان معیارهای کالبدی مسکن و دلبستگی به مکان و ماندگاری ساکنین وجود دارد؟

۲. کدام یک از معیارهای کالبدی مسکن در ارتقای حس دلبستگی به مکان مؤثر است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۸

دوره ۱۹

صفحه ۵۸۶ الی ۵۹۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۳

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

مکان،
دلبستگی به مکان،
مجتمع مسکونی،
شهرهای جدید.

ارجاع به این مقاله

قناد، آتوسا، حبیب، فرح، ذبیحی، حسین. (۱۴۰۱). معیارهای طراحی و برنامه‌ریزی در معماری شهرهای جدید و تأثیر آن در ماندگاری و دلبستگی ساکنین (مورد مطالعه شهر جدید گلپهار). مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، شماره ۴۸، صفحه ۵۸۶-۵۹۷.



[dori.net/dor/20.1001.1.19.48.586-597](https://doi.org/10.22034/IAS.19.48.586-597)



dx.doi.org/10.22034/IAS.20.20.260391.1453

مقدمه

شهرهای جدید که عمدتاً با هدف کاهش بار شهرهای بزرگ در اطراف آن‌ها و جهت اسکان سرریز جمعیت برنامه‌ریزی و طراحی شده‌اند، با وجود فراهم نمودن امکانات زیربنایی، همچنان با مشکل بزرگ عدم تمایل افراد به سکونت و ماندگاری در آن‌ها مواجه هستند. این موضوع به‌خصوص در مورد مجتمع‌های مسکونی که با هدف ارزان‌سازی و ارائه امکانات مطلوب در این نوع شهرها ساخته شده‌اند، قابل‌مشاهده و پیگیری است. دلایل بسیاری برای عدم ماندگاری افراد در این‌گونه مکان‌ها عنوان شده است، اما یکی از مهم‌ترین دلایل عدم ماندگاری افراد در مکان از منظر آنتون و لورنس (۲۰۱۴) فقدان دلبستگی افراد به مکان بیان شده است. لذا این نوشتار در پی آن است تا از طریق ارتقای دلبستگی افراد به محل زندگی‌شان زمینه ماندگاری آن‌ها را در شهرهای جدید فراهم سازد. یکی از راه‌های ارتقای دلبستگی ساکنین شهرهای جدید به محل زندگی‌شان از طریق محل سکونتشان قابل‌پیگیری است؛ با توجه به اینکه نوع مسکن غالب در شهرهای جدید عمدتاً از نوع مجتمع مسکونی است، در این پژوهش معیارهای کالبدی مرتبط با مجتمع‌های مسکونی بررسی شده است.

به دلیل گستردگی معیارهای کالبدی قابل بررسی در یک مجتمع مسکونی این پژوهش صرفاً واحدهای مسکونی را مورد بررسی قرار داده است. (بررسی معیارهای کالبدی مرتبط با مجتمع‌های مسکونی به تفصیل در این پژوهش با عنوان «بومی‌سازی مدل ارتقای دلبستگی به مکان در شهرهای جدید ایران (ویژگی کالبدی مسکن شهرهای جدید گلبهار و بینالود) در سه حوزه واحد مسکونی، فضاهای مشاع باز و فضاهای مشاع بسته انجام شده است). لذا این نوشتار به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که کدام یک از معیارهای کالبدی مرتبط با واحد مسکونی در یک مجتمع مسکونی در ارتقای حس دلبستگی به مکان از منظر ساکنین مؤثر و دارای اهمیت است. همچنین در مرحله دوم به دنبال شناسایی اثرگذارترین این معیارها و رتبه‌بندی آن‌ها است. بدین منظور مجتمع‌های مسکونی شهر جدید گلبهار به‌عنوان نمونه‌ای از توسعه‌های جدید شهری مورد مطالعه قرار گرفته است. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است.

چارچوب نظری پژوهش با رویکردی کیفی و با هدف جستجوی مشخصه‌های کالبدی مؤثر در ارتقای دلبستگی افراد به مکان در پژوهش‌های گذشته تدوین شده است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، و از طریق پرسش‌نامه صورت گرفته است. از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی و فرمول کوکران و بر مبنای درصد اطمینان ۹۵ و همچنین سطح خطای ۰/۰۵ (دقت موردنظر معادل ۰/۰۵ فاصله نسبت به جامعه)، ۳۷۵ پرسش‌نامه در میان ساکنین مجموعه‌های مسکونی شهر جدید گلبهار به روش نمونه‌گیری احتمالی و در حضور پرسشگر توزیع گردید. سؤالات پرسش‌نامه از نوع سؤالات بسته و منظم و با استفاده از نگرش‌سنج «پنج قسمتی لیکرت» (بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد) مطرح شده‌اند. جهت روایی پرسش‌نامه از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به‌عنوان روشی معمول برای پرسش‌نامه‌های چند ارزشی طیف لیکرت استفاده گردید. طبق این روش اگر مقدار این شاخص

برای سؤالات پرسش‌نامه بیشتر از ۰/۷ باشد، پرسش‌نامه از پایایی قابل‌قبولی برخوردار است، که در این پژوهش آلفای کرونباخ ۰/۹۳۲ به‌دست آمده است. جهت روایی و پایایی ابزار این تحقیق از روش دوگانه و موازی استفاده شده است. لذا پرسش‌نامه طراحی شده هم‌زمان در ۸ مجتمع مسکونی مورداستفاده قرار گرفته است تا نتایج حاصل با یکدیگر مقایسه و ضریب همبستگی آن‌ها محاسبه شود. نتایج مشابه و ضریب همبستگی بالا (بیش از ۹۰ درصد)، نشان از روایی و پایایی ابزار این پژوهش دارد. در تحلیل نتایج حاصله از آزمون‌های پارامتری (آزمون همبستگی) استفاده شده است. درواقع همبستگی در این آزمون دو به دو کنترل شده و ماتریس همبستگی تولید شده است. جهت تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید و ارتباط میان حس دل‌بستگی با ۱۸ معیار و زیرمعیار سنجش واحدهای مسکونی، بررسی و معیارها با استفاده از نرم‌افزارهای EXEL و SPSS اولویت‌بندی گردید.

۱. مفهوم دل‌بستگی به مکان

با درنظر گرفتن مشخصه اصلی مفهوم دل‌بستگی، یعنی تمایل به ماندن در نزدیکی موضوع دل‌بستگی، می‌توان دل‌بستگی به مکان را به‌عنوان پیوند عاطفی مثبت میان یک شخص و یک مکان خاص که مشخصه اصلی آن تمایل شخص به ماندن در نزدیکی آن مکان است، تعریف کرد. هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۱) تنها یک توصیف از دل‌بستگی به مکان را مطابق با این تعریف یافتند که با نامی دیگر به زبان اسپانیایی *Querencia* تعریف شده است. شکل‌گیری دل‌بستگی به یک مکان خاص به عوامل متعددی وابسته است. اما غالب نظریه‌پردازان این حوزه سه دسته عوامل فردی، اجتماعی و کالبدی-محیطی تأثیرگذار بر شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی را از یکدیگر بازشناخته‌اند. در مقایسه با عوامل فردی که به آسانی قابل بررسی هستند و عوامل اجتماعی که معیارهای محدود و قابل‌فهمی را (نظیر وابستگی‌های همسایگی و ارتباطات اجتماعی) دربرمی‌گیرند، تعداد مشخصه‌های کالبدی (طبیعی، معماری و شهرسازی) فراوان است و از منظر یوجانگ (۲۰۱۰) کمبودهای بسیاری در تحقیقات موجود در این زمینه دیده می‌شود. یکی از این نقصان‌ها، عدم وجود تمایزی معنادار میان عوامل کالبدی موردنظر است. بدین معنی که تا به حال تقسیم‌بندی مناسبی از این عوامل ارائه نشده است تا بتوان بررسی و تحلیل روان‌تری از میزان تأثیر آن‌ها در مکان‌های متفاوت ارائه کرد. لذا این نوشتار در قدم اول پس از تبیین این معیارها، در پی ارائه دسته‌بندی از این معیارهای کالبدی است. در جدول (۱) مطالعات متأخر انجام شده در ارتباط با این معیارهای کالبدی آورده شده است.

جدول ۱- پژوهش‌های پشتیبان (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

صاحب نظر	مشخصه‌های کالبدی مورد بررسی - حوزه مورد بررسی
ایوان و مک‌کوی (۱۹۹۸)	پپچیدگی، رمزآلودگی، بداعت، ازدحام، آلودگی صوتی، روشنایی، نظم، رنگ، تظاهر بصری، همجواری، سیرکولاسیون، خوانایی، سازماندهی، نماد و نشانه، ساماندهی معابر، تمایز و تشخیص، چشم انداز بیرونی، تراکم، سلسله مراتب فضایی، قلمرو، انعطاف‌پذیری، پاسخدهی، حریم، عمق، بهم‌پیوستگی، مبلمان، آرایش فضایی، ابهام، سرپناه، جذابیت، خلوت - حوزه فرمی، کارکردی، معنایی
اشلمان و ایوانز (۲۰۰۲)	زیبایی، پپچیدگی، سادگی، انعطاف‌پذیری، توجه به معلولین، آسایش، هویت - حوزه فرمی، کارکردی، معنایی
بونائیتو و همکاران (۲۰۰۲)	زیبایی فضا، عملکرد فضاها، امکانات: نظیر خدمات ورزشی، فرهنگی و اجتماعی، امنیت، فضای سبز - حوزه فرمی، کارکردی
خوزئی (۲۰۱۲)	امکانات، موقعیت مکانی، امنیت، شخصی‌سازی، حریمیت - حوزه کارکردی
جیبوی (۲۰۱۴)	حریمیت، روشنایی، کفایت فضایی، امکانات مجموعه - حوزه کارکردی
شباک و همکاران (۲۰۱۵)	ویژگی‌های سایت، ویژگی‌های معمارانه، مشخصات طبیعی، دسترسی، امکانات و امنیت، مشخصات فرهنگی - حوزه فرمی، کارکردی، معنایی
حمدی محمود (۲۰۱۷)	زیبایی‌شناسی، ابعاد فضایی، نظم، شرایط محیطی (برانگیختگی، شغف)، شرایط آسایش (صدا، روشنایی، حرارتی) - حوزه فرمی، کارکردی
ذبیحی و همکاران (۱۳۹۰)	دسترسی‌ها، توده و فضا، سیمای شهری، محیط زیست، معیارهای اجتماعی - فرهنگی، واحدهای مسکونی، امکانات - حوزه فرمی، کارکردی
کمالی‌پور و همکاران (۲۰۱۲)	تنوع، پایداری کالبدی، پایداری عملکردی، شخصیت خاص محیط، آسایش، فضاهای باز، امنیت، دسترسی، سرزندگی، خوانایی، امکانات فعالیتی - حوزه فرمی، کارکردی، معنایی
(موهبتی و طابعی (۱۳۹۳)	ویژگی‌های کالبدی، تسهیلات مجتمع، دسترسی و حمل‌ونقل، مدیریت و نگهداری، اقتصاد، امنیت، روشنایی و تهویه، دیدومنظر، روابط همسایگی، زیست محیطی - حوزه کارکردی
ارباب و همکاران (۱۳۹۴)	آشنایی و شناخت، خوانایی و تشخیص، رضایت‌مندی، خودکارآمدی، تعامل اجتماعی، تناسب محیطی، خاطره‌انگیزی - حوزه فرمی، کارکردی، معنایی
دانش پایه و همکاران (۱۳۹۶)	کیفیت کالبدی فضایی، تناسبات بصری غنای بصری، خوانایی، قابلیت ادراک مکان، هویت و تشخیص، قابلیت دسترسی، آسایش، دعوت‌کننده بودن مکان، انعطاف‌پذیری - حوزه فرمی، کارکردی، معنایی
خطیبی و همکاران (۱۳۹۷)	چگونگی وجود امکانات در مجتمع‌ها، واحدهای مسکونی، دسترسی، توده و فضا، سیمای شهر، محیط زیست، معیارهای اجتماعی - فرهنگی - حوزه فرمی، کارکردی، معنایی
یغماییان و حبیب (۲۰۱۹)	زیبایی‌شناسی، دسترسی، مبلمان، راحتی، امکانات، عناصر طبیعی - حوزه فرمی، کارکردی

پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور

پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور

با استناد به پژوهش‌های مورد بررسی، طبق نظریات کانتر (۱۹۷۷) در قالب ۳ حوزه فرمی، کارکردی و مفهومی- معنایی و با تأکید بر معیارهای کالبدی مرتبط با واحدهای مسکونی جدول (۲) طراحی شد.

جدول ۲- عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقای دل‌بستگی به محل سکونت در فضاهای مشاع باز مجتمع‌های مسکونی (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

حوزه‌ها	معیار	مصدق در قالب واحد مسکونی
حوزه فرمی	عوامل محرک (برآینگ‌زایی)	غناي بصری (زیبایی)
		زیبایی بافت، شکل و رنگ جداره‌های فضاها و مصالح بکار رفته
		پیچیدگی
		چگونگی طراحی واحد به‌لحاظ پلان و طراحی داخلی
		تنوع فضایی
		پیچیدگی طراحی فضاهای داخلی واحد به‌لحاظ ارتباط فضاها با یکدیگر
		رمزآلودگی (رمز و راز)
		وجود فضاهایی رمزآلود نظیر کتابخانه
		بداعت (تازگی)
		نوآوری در طراحی فضاهای داخلی خانه و ارتباطات فضایی
حوزه کارکردی	ویژگی‌های کمی	انسجام و وحدت
		تناسبات بصری
		تناسبات هندسی فضاها با کارکرد آنها
		تناسب ابعاد فضا با ابعاد مبلمان متداول
		سادگی و خوانایی
	ویژگی‌های کیفی	انسجام در شیوه طراحی فضاهای داخلی خانه و ارائه تصویری کلی از یک واحد مسکونی
		ابعاد بهینه فضایی
		امکانات
		حرارتی
		شرایط آسایش
حوزه کارکردی	پاسخ‌دهی محیط	طول، عرض و ارتفاع: اتاق‌ها، نشیمن، پذیرایی، آشپزخانه، ورودی، سرویس‌های بهداشتی
		تجهیزات مناسب آشپزخانه
		سرمايش و گرمایش، تهویه مناسب (طبیعی- مطبوع)- عایقکاری موثر
		نور
	انعطاف‌پذیری	(طبیعی و مصنوعی)
		صدا
		عایق کاری مناسب صوتی در پنجره‌ها و دیواره‌های بین واحدها
		تطبیق‌پذیری
ویژگی‌های کیفی	نشیمن و پذیرایی مشترک	
	آشپزخانه و نهارخوری و صبحانه‌خوری مشترک	
	کارکردپذیری	
	تأمین حداقل کمد	
حوزه کارکردی	انعطاف‌پذیری	جانمایی مناسب عناصر ثابت فضا: سرویس‌های بهداشتی، آشپزخانه و کمدها
		نسبت سطح فضای رفت‌وآمد به سطح فضای قابل استفاده
		امکان چیدمان مختلف مبلمان
		امکان چیدمان مختلف مبلمان

امکان تغییر کاربری فضاها					
قابلیت تقسیم و تجمیع فضاها					
امکان کاشت سبزیجات در تراس	شخصی سازی				
وجود تراس و امکان کاشت و نگهداری گیاهان	ارتباط با طبیعت				
ارتباط بصری از طریق دید و منظر مناسب					
سلسله مراتب دسترسی به فضاهای عمومی و خصوصی	سلسله مراتب و سازماندهی فضایی	مکان			
سیرکولاسیون داخلی					
دسترسی مشخص میهمانان به فضاهای عمومی نظیر پذیرایی و سرویس بهداشتی	خوانایی				
سرانه فضا نسبت به فرد: تعداد اتاق، تعداد سرویس‌های بهداشتی	ازدحام	کنترل			
میزان خصوصی بودن اتاق‌ها	قلمرو شخصی				
تعریف حریم هر فضا: فیلتر وردی، تراس، بازشوها، آشپزخانه، سرویس‌های بهداشتی، اتاق‌ها	محرمیت				
تفکیک حریم‌های عمومی و خصوصی					
ورودی و بازشوها	ایمنی و امنیت				
امکان برگزاری مراسم‌های خانوادگی و دوستانه گوناگون	قابلیت خاطره‌سازی مکان	مکان	معماری	حوزه مفهومی -	
-	طبیعی				پوشش
وجود نمادها و نشانه‌های یادآور خان‌های گذشته	مصنوع				

با تکیه بر نظرسنجی از میان ۳۸ نفر از اساتید گروه معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و دانشگاه آزاد مشهد، جدول (۲) به جدول (۳) خلاصه گشت تا اهم موضوعات از منظر متخصصین مورد بررسی قرار گیرند. براساس نظر این افراد، ۸ معیار «عوامل محرک»، «ابعاد بهینه فضایی»، «شرایط آسایش»، «پاسخ‌دهی محیطی»، «نظم»، «کنترل»، «قابلیت خاطره‌سازی مکان» و «هویت» در زمینه فرآیند شکل‌گیری دلبستگی به محل سکونت در مجتمع‌های مسکونی در شهرهای جدید مهم و کلیدی می‌باشند. مبتنی بر معیارهای تدوین یافته فوق و در مسیر تبیین بیشتر آن‌ها، ضروری است، شاخص‌ها و به‌عبارت دیگر زیرمعیارها و به‌دنبال آن سؤالات یا متغیرهای مرتبط نیز تعریف شوند. این سنج‌ها و سؤالات که تعداد آن‌ها به تفکیک هر یک از معیارهای مربوطه مشخص شده‌است، در مجموع شامل ۲۴ مورد می‌شوند.

جدول ۳- معیارهای مورد بررسی در داخل واحد مسکونی (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

سوال	گزاره‌های توصیفی مورد بررسی در قالب پرسشنامه	زیر معیار	معیار	حوزه بررسی
۱	فضای داخلی واحدم زیبا طراحی شده‌است.	غنای بصری	عوامل محرک	حوزه فرمی
۴	مساحت اتاقم به‌اندازه است.	-	ابعاد بهینه فضایی	ویژگی‌های کمی
	مساحت نشیمن و پذیرایی واحدم به‌اندازه است.			
	مساحت آشپزخانه واحدم به‌اندازه است.			
	ابعاد تراس خانهام به‌اندازه است.			
۴	از سیستم سرمایشی و گرمایشی خانهام رضایت دارم.	حرارتی	شرایط آسایش	ویژگی‌های کمی
	اکثر قسمت‌های واحدم از نور طبیعی مطلوب بهره می‌برد.	نور (طبیعی)		
	سیستم روشنایی مصنوعی واحدم مناسب است.	نور (مصنوع)		
	از داخل واحدم صدای آزاردهنده‌ای از بیرون شنیده نمی‌شود.	صدا		
۶	اکثر فضاهای داخلی واحدم متناسب با نیازهای من طراحی شده‌است.	تطبیق‌پذیری	پاسخدهی محیطی	ویژگی‌های کیفی
	تعداد و ابعاد کمدهای خانهام برایم مناسب است.	کارکردپذیری		
	در خلتنه‌ام در چیدمان مبلمان نشیمن و پذیرایی محدودیتی وجود ندارد.	انعطاف‌پذیری		
	روی دیوارهای خانهام امکان نصب تابلو وجود دارد.	شخصی‌سازی		
	از پنجره واحدم، فضای سبز بیرون قابل مشاهده است. از تراس خانهام فضای سبز بیرون قابل مشاهده است.	ارتباط با طبیعت		
۱	فضای پذیرایی و اتاق‌ها مجزا از یکدیگر طراحی شده‌اند.	سلسله‌مراتب و سازماندهی فضایی	نظم	ویژگی‌های کیفی
۶	تعداد اتاق‌های واحدم با تعداد افراد خانوادهام متناسب است.	ازدحام	کنترل	ویژگی‌های کیفی
	تعداد سرویس‌های بهداشتی واحدم با تعداد افراد خانوادهام متناسب است.			
	اتاقم قلمرو شخصی من است.	قلمرو شخصی		
	تراس خانهام از چشم نامحرمین پنهان است. با باز شدن در ورودی خانهام، تمام واحدم قابل رویت نیست.	محرمیت		
	من در این واحد احساس امنیت می‌کنم.	ایمنی و امنیت		

حوزه کارکردی

۱	من از این واحد خاطرات بسیار دارم.	-	قابلیت خاطره- سازی مکان	حوزه مفهومی- معنایی
۱	خانه‌ام یادآور خانه دوران کودکیم است.	مصنوع	هویت	
۲۴	-	۱۶ زیر معیار	۸ معیار	مجموع

۲. معیارهای طراحی و برنامه‌ریزی در معماری مسکن شهرهای جدید

۲.۱. آمار استنباطی

در ارتباط با شناسایی معیارهای کالبدی مؤثر، بررسی معناداری همبستگی میان تک تک عوامل و انگاره دل‌بستگی به مکان از طریق ضریب همبستگی پیرسون، انجام شده‌است. باتوجه به تعداد ۳۷۵ نمونه طبق قوانین همبستگی پیرسون حداقل ضریب همبستگی ۰/۱۵ است و تفسیر مقادیر همبستگی پیرسون مطابق جدول ۵ است. با بررسی نتایج بدست آمده از این جدول می‌توان گفت، تقریباً همبستگی بالایی بین همه عوامل و معیارها با دل‌بستگی به مکان وجود دارد. و جهت اولویت‌بندی نتایج حاصل از رگرسیون، به مقدار عددی β استاندارد رجوع شد. در مورد نتایج حاصل از معیارهای کالبدی مرتبط با واحدهای مسکونی مؤلفه غنای بصری (زیبایی) با ضریب β ، ۰/۴۹۲ مهمترین معیار در شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان است و نشان‌دهنده آن است که اگر این معیار کالبدی ۱ واحد تغییر کند، میزان دل‌بستگی به مکان حدود ۰/۴ تغییر خواهد نمود. همچنین زیرمعیار صدا در واحدهای مسکونی با ضریب β ، (۰/۰۰۱)، پایین‌ترین ضریب را به خود اختصاص داده است.

جدول ۴- میزان همبستگی معیارهای مورد سنجش و مفهوم دل‌بستگی به مکان و رتبه‌بندی حاصل از رگرسیون (مأخذ: نگارندگان،

(۱۳۹۸)

معیار	زیر معیار	ضریب همبستگی پیرسون	ترتیب میزان همبستگی (نزولی)	نتایج حاصل از رگرسیون		
				خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده β	رتبه براساس رگرسیون
عوامل محرک	غنای بصری	۰/۶۵۰	۱	۰/۵۱۷	۰/۴۹۲	۱
ابعاد بهینه فضایی	-	۰/۴۹۶	۳	۰/۵۴۷	۰/۱۴۷	۶
شرایط آسایش	حرارتی	۰/۴۰۷	۹	۰/۳۶۸	۰/۰۰۴	۱۷
	نور (طبیعی)	۰/۲۸۶	۱۶	۰/۷۰۱	۰/۰۲۹	۱۳
	نور (مصنوع)	۰/۱۵۷	۱۸	۰/۵۷۳	۰/۱۳۵	۷
پاسخدهی محیطی	صدا	۰/۳۰۷	۱۵	۰/۳۹۱	۰/۰۰۱	۱۸
	تطبیق‌پذیری	۰/۴۹۲	۴	۰/۵۳۲	۰/۰۴۵	۱۲

۱۴	۰/۰۲۹	۰/۴۹۶	۱۰	۰/۳۷۰	کارکردپذیری	
۱۵	۰/۰۲۵	۰/۵۰۸	۱۲	۰/۳۵۵	انعطاف‌پذیری	
۹	۰/۰۷۱	۰/۴۸۸	۱۷	۰/۲۲۱	شخصی‌سازی	
۲	۰/۳۵۱	۰/۵۹۱	۱۱	۰/۳۶۹	ارتباط با طبیعت	
۱۰	۰/۰۵۵	۰/۴۴۰	۸	۰/۴۲۵	سلسله‌مراتب و سازماندهی فضایی	نظم
۴	۰/۱۹۳	۰/۵۲۵	۲	۰/۵۸۲	ازدحام	کنترل
۵	۰/۱۸۳	۰/۴۳۰	۵	۰/۴۸۳	قلمرو شخصی	
۸	۰/۰۸۶	۰/۳۷۰	۱۴	۰/۳۱۵	محرمیت	
۳	۰/۲۵۸	۰/۵۲۰	۷	۰/۴۴۳	ایمنی و امنیت	
۱۱	۰/۰۵۲	۰/۵۰۷	۶	۰/۴۶۲	-	قابلیت خاطره‌سازی مکان
۱۶	۰/۰۰۸	۰/۴۱۹	۱۳	۰/۳۳۹	مصنوع	هویت

همچنین در انتهای پرسش‌نامه‌ها از پاسخگویان خواسته شد تا تمایل به ماندگاری در محل سکونت خود را اعلام نمایند. با بررسی پاسخ‌ها مشاهده گردید، ساکنین در مکان‌هایی که معیارهای کالبدی را نامطلوب دریافته‌اند، تمایل بیشتری نسبت به ترک مجموعه از خود نشان داده‌اند.

۲۲. بحث و یافته‌ها

نتایج این جدول حاکی از آنست که برخلاف پژوهش‌های خوزئی و همکاران (۲۰۱۲)، جیبوی (۲۰۱۴)، موهبتی و همکاران (۱۳۹۳) که صرفاً به بررسی معیارهای کالبدی مربوط به حوزه کارکردی پرداخته‌اند و پژوهش‌های بونایتو و همکاران (۲۰۰۲)، حمدی محمود (۲۰۱۷)، ذبیحی و همکاران (۱۳۹۰)، یغمائیان و حبیب (۲۰۱۹) که با تأکید بر معیارهای کالبدی مرتبط با حوزه فرمی و کارکردی نسبت به معیارهای مرتبط با حوزه معنایی بی‌توجه بوده‌اند، این پژوهش با سایر پژوهش‌های انجام شده توسط ایوان و مک‌کوی (۱۹۹۸)، اشلمان و ایوانز (۲۰۰۲)، شباک و همکاران (۲۰۱۵)، کمالی‌پور و همکاران (۲۰۱۲)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، دانش‌پایه و همکاران (۱۳۹۶)، خطیبی و همکاران (۱۳۹۷) هم‌سو است و بر لزوم توجه به حوزه‌های فرمی و معنایی در کنار حوزه کارکردی تأکید دارد. نتایج پژوهش ایوان و مک‌کوی (۱۹۹۸) مورد تأیید پژوهش حاضر است و می‌توان گفت از میان تحقیقات انجام شده به‌لحاظ تعدد معیارهای کالبدی مورد بررسی از جامعیت بیشتری برخوردار است. همچنین نتایج پژوهش‌های اشلمان (۲۰۰۲)، خوزئی (۲۰۱۲)، جیبوی (۲۰۱۴)، شباک (۲۰۱۵)، کمالی‌پور (۲۰۱۲) که موضوع دل‌بستگی به مکان را در مجتمع مسکونی و خانه بررسی کرده‌اند، با نتایج این نوشتار مطابقت دارند.

یافته‌های حاصل از بررسی معیارهای کالبدی مرتبط با واحدهای مسکونی، در وهله اول حاکی از آن است که عدم ارتباط با طبیعت (در جایگاه دوم) به‌عنوان جنبه مغفول مانده در طراحی واحدهای آپارتمانی و مجتمع‌های مسکونی برخلاف ارتباط تنگاتنگ با واحدهای ویلایی گذشته، امری ضروری و مهم از منظر ساکنین مجموعه‌های مسکونی شهرهای جدید در ارتقای دلبستگی آن‌ها به مکان است. همچنین تأمین ایمنی و امنیت و متناسب بودن تعداد استفاده‌کنندگان با ابعاد فضا (ازدحام)، وجود قلمرو شخصی و ابعاد بهینه فضایی از جمله معیارهای کالبدی مهم و به‌ترتیب در جایگاه سوم تا ششم معرفی شده‌اند. پس از آن‌ها، تأمین نور مصنوع مناسب فضا، وجود حریمیت، امکان شخصی‌سازی، وجود سلسله‌مراتب و سازماندهی فضایی مناسب، قابلیت خاطره‌سازی، تطبیق‌پذیری، تأمین نور طبیعی مناسب برای فضاها، کارکردپذیری و انعطاف‌پذیری فضاهای مختلف واحد مسکونی، تأمین هویت مصنوع و آسایش حرارتی و پاسخ‌گویی مناسب به صداهای مزاحم در اولویت‌های بعدی ساکنین قرار دارند. همچنین نتایج به‌دست آمده، تأکیدی بر تأثیر معیارهای کالبدی در ارتقای دلبستگی ساکنین به محل سکونتشان است و نشان می‌دهد که بهبود طرح کالبدی موجب افزایش دلبستگی به مکان در ساکنین و ماندگاری آن‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری

این مقاله با پژوهش در مفهوم دلبستگی به مکان و عوامل اثرگذار در ایجاد و ارتقاء آن، از منظر معیارهای کالبدی، مجتمع‌های مسکونی شهر جدید گلپه‌ار را به‌عنوان نمونه‌ای از توسعه‌های جدید شهری مورد کنکاش قرار داده است. درنهایت هشت معیار کلیدی «عوامل محرک» مربوط به حوزه فرمی، «ابعاد بهینه فضایی»، «شرایط آسایش»، «پاسخ‌دهی محیطی»، «نظم»، «کنترل» مربوط به حوزه کارکردی، «قابلیت خاطره‌سازی مکان» و «هویت» مربوط به حوزه معنایی ارائه شد. طبق نتایج به‌دست آمده بین عوامل کالبدی مورد بررسی این نوشتار و دلبستگی به مکان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بیشترین همبستگی معنادار و مثبت، بین معیار غنای بصری (زیبایی) و انگاره دلبستگی به مکان در حوزه فضاهای واحدهای مسکونی در مجتمع‌های مسکونی از منظر ساکنین نتیجه گردید. همچنین میزان اثرگذاری این عوامل با انگاره دلبستگی به مکان در نمونه‌های مورد مطالعه نیز بررسی شد و مشخص شد که از نظر ساکنان مجتمع‌های مسکونی شهرهای جدید مهم‌ترین معیارهای القا دلبستگی به مکان مربوط به واحدهای مسکونی به‌ترتیب شامل غنای بصری، ارتباط با طبیعت، ایمنی و امنیت، کنترل میزان ازدحام جمعیت، تأمین قلمرو شخصی، توجه به ابعاد بهینه فضایی، تأمین نور مناسب مصنوعی، وجود حریمیت، امکان شخصی‌سازی، طراحی مناسب سلسله‌مراتب دسترسی و سازماندهی فضایی، توجه به قابلیت خاطره‌سازی مکان و تطبیق‌پذیری، دریافت نور مناسب طبیعی، کارکردپذیری و انعطاف‌پذیری واحد، تأمین هویت مصنوع، آسایش حرارتی و توجه به آلودگی‌های صوتی است. همچنین نتیجه گردید که مطلوبیت طراحی و برنامه‌ریزی عوامل کالبدی واحدهای مسکونی علاوه بر تأثیر مثبت در ارتقاء دلبستگی ساکنین رابطه مستقیمی با تمایل آن‌ها به ماندگاری در مجتمع مسکونی دارد که خود زمینه‌ساز ماندگاری آن‌ها در شهرهای جدید است.

منابع و مأخذ

مقالات

ارباب، پارسا؛ عزیزی، محمد مهدی و زبردست، اسفندیار. (۱۳۹۴). «تبیین معیارهای کلیدی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ تهران)»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، (۴)، ۲۰-۵.

خطیبی، ساسان؛ زارع، لیلا و کابلی، محمدهادی. (۱۳۹۷). «تأثیر فضای سبز و طراحی منظر بر ارتقای احساس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی»، هویت شهر، شماره ۳۵، ۲۸-۱۹.

دانش پایه، نثار؛ حبیب، فرح و طغیانی، شیرین. (۱۳۹۶). «تدوین شاخص‌های کالبدی مؤثر در خلق حس مکان در توسعه جدید شهری»، مدیریت شهری، ش ۲، ۱۳۰-۱۱۹.

ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح و رهبری‌منش، کمال. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان». هویت شهر، شماره ۸، ۱۱۸-۱۰۳.

موهبتی، نیما؛ طابعی، مهدیه. (۱۳۹۳). «بررسی نقش طراحی معماری در انبوه‌سازی مسکن (نمونه موردی: مقایسه مجموعه مسکونی در ملبورن استرالیا با مجموعه مسکن مهر شهر پردیس تهران)»، مدیریت شهری، شماره ۳۶، ۱۲۴-۱۰۵.

منابع لاتین

Anton, C., & Lawrence, C. (۲۰۱۴). "Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation", *Journal of Environmental Psychology*, ۴۵-۱-۶۱.

Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (۲۰۰۲). "Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome", *Landscape and Urban Planning*, ۹۸۸, ۱-۱۲.

Canter, D. (۱۹۷۷). *The Psychology of Place*. London: The Architectural Press Ltd.

Eshelman, P., & Evans, G. (۲۰۰۲). "Home Again: Environmental Predictors of Place Attachment and Self-esteem for New Retirement Community Residents", *Journal of Interior Design*, ۲۸(۱), ۱-۹.

Evans, G., & McCoy, J. (۱۹۹۸). "when building don't work: The role of architecture in human health", *Environmental Psychology*, ۱۸, ۸۵-۹۴.

Hamdy Mahmoud, H.-T. (۲۰۱۷). "Interior Architectural Elements that Affect Human Psychology and Behavior", *The Academic Research Community Publication*, ۱-۱۰.

- Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (۲۰۰۱). "Place attachment: Conceptual and empirical questions", *Journal of Environmental Psychology*, ۲۱, ۲۷۳-۲۸۱.
- Jiboy, A. (۲۰۱۴). "Significance of house- type as a determinant of residential quality in Osogbo", *Southwest.Nigeria. Frontiers of Architectural Research*, ۳, ۲۰-۲۷.
- Kamalipour, H., Jeddi Yeganeh, A., & Alalhesabi, M. (۲۰۱۲). "Predictors of Place Attachment in Urban Residential Environments: A Residential Complex Case Study", *Social and Behavioral Sciences*, ۳۵, ۴۵۹-۴۶۷.
- Khozaei, F., Ramayah, T., Sanusi Hassan, A., & Surlenty, L. (۲۰۱۲). "Sense of attachment to place and fulfilled preferences, the mediating role of housing satisfaction", *Property Management*, ۳۰(۳), pp. ۲۹۲-۳۱۰.
- shabak, M., Norouzi, N., Megat Abdullah, A., & Hayat Khan, T. (۲۰۱۵). "Children's sense of attachment to the residential common open space", *Social and Behavioral Science*, ۲۰۱, ۳۹-۴۸.
- Stedman, R. (۲۰۰۳). "Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place", *Society and Natural Resources*, ۱۶, ۶۷۱-۶۸۵.
- Yaghmaeian, S., & Habib, F. (۲۰۱۹). "Developing P.P.P Model of Place Attachment for Evaluating Residential Environment (Cases Study: Open Space of Iranzamin and Ekbatan Apartment Buildings)", *International Journal of Architecture and Urban Development*, ۱۷-۲۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی